فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی
دوره ۷، شماره ۳، شماره پیاپی (۲۷)، پاییز ۱۴۰۵، ص ۳۳۱ ـ ۳۱۷
نوع مقاله: پژوهشی
شاپا الکترونیکی: ۵۲۰۰-۲۷۸۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۱۵

تحول مفهوم انتظار مهدوی در انقلاب اسلامی ایران: تحلیل تاریخی از انفعال به کنش سیاسی

جمشید منتشلو[۱] عباس خسروی[۲] سید ابوالفضل موسوی زاده[۳]

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام، نه تنها نظام سیاسی ایران را دگرگون کرد، بلکه زمینه‌ساز احیاء و توجهی نوین به آموزه مهدویت در گفتمان دینی و اجتماعی شد.. اندیشه مهدویت که با مبانی اعتقادی شیعه و فرهنگ اسلامی پیوندی عمیق دارد، همواره منجر به پویایی، تحرک و امید تاریخی جامعه شیعی بوده است. انتظار فرج، معنایی فراتر از صبر منفعل دارد و به عنوان تلاشی مستمر و مسئولانه برای ساخت آینده‌ای روشن و تحقق عدالت الهی مطرح می‌شود. مقاله حاضر با رویکرد اسنادی و روش توصیفی-تحلیلی، تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای اندیشه مهدویت و مفهوم انتظار را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد انقلاب اسلامی با تکیه بر قرآن و سنت اهل بیت(ع)، تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و معنویت را هدف گذاری کرد و حرکت اجتماعی مسلمانان را به‌سوی تحقق اهداف مهدوی جهت داد. این رویداد، نگرش دینی، هویتی و اجتماعی ایرانیان را متحول کرده و الهام‌بخش جنبش‌های اسلامی معاصر شد و پیوندی فعال میان سیاست دینی و آرمان ظهور برقرار ساخت.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی ایران، مهدویت، انتظار، تحول دینی و اجتماعی، آموزه‌های شیعه.

[۱]. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) j.mantashloo@cfu.ac.ir
[۲]. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
[۳]. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷شمسی نقطه عطفی در تاریخ معاصر تشیع و جهان اسلام شناخته می‌شود که با پیروزی خود، تغییر بنیادی در ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی‌کشور ایجاد کرد. یکی از مهم‌ترین تحولات همراه این انقلاب، ارتقاء نقش آموزه مهدویت از بعد فردی و صرفاً اعتقادی به بعد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است که توانست هویت جمعی نوینی برای جامعه شیعی شکل دهد. آموزه مهدویت در سنت تشیع از دیرباز نیروی محرکه‌ای برای امید و عدالت‌خواهی بوده است، اما پیروزی انقلاب اسلامی این آموزه را به ابزاری راهبردی برای تنظیم گفتمان عمومی و سیاستگذاری کشور تبدیل کرد.

در این راستا، رهبران انقلاب و به ویژه امام خمینی(ره) با تفسیر جدید و فعالانه از مهدویت، انتظار فرج را نه به عنوان یک حالت انفعال بلکه به عنوان مسئولیتی اجتماعی و سیاسی تلقی کردند که نیازمند عمل و تلاش مستمر برای تحقق عدالت الهی است این تحول نگرش به مهدویت، زمینه‌ساز گسترش ارزش‌های مهدوی در زندگی فردی و اجتماعی مردم ایران و تبدیل آن به هویتی فعال و پویا شد. (ده پهلوان و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۷-۵۲)دگرگونی مفهوم انتظار و آماده‌سازی جامعه یکی از مهم‌ترین وجوه تحول در آموزه مهدویت پس از انقلاب اسلامی، تغییر نگرش مردم و جامعه نسبت به مفهوم انتظار است. انتظار دیگر یک انتظار منفعلانه و صرفاً دینی نبود بلکه به شکل یک دعوت برای کنش اجتماعی و سیاسی در جهت تحقق عدالت جهانی در آمد. امام خمینی (ره) به صراحت اعلام کردند که انتظار فرج باید با تلاش برای برقراری عدالت، مقابله با ظلم و فساد و ساخت جامعه عدل الهی همراه باشد (ده پهلوان و همکاران، همان؛ مطهری، ۱۳۷۱: ٦١)

این نگاه مهدوی به عنوان یک محرک مهم انقلابی، مردم را به مشارکت فعال در مبارزه با رژیم پهلوی و پس از آن به ساختنی جامعه مبتنی بر اسلام و عدالت ترغیب کرد. بدین ترتیب، آموزه مهدویت زمینه‌ساز شکل‌گیری یک مدل حکومت اسلامی و جامعه منتظر برای ظهور منجی عالم شد که نه تنها به بعد الهی بلکه به ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز توجه داشت. ساختار سیاسی جدید؛ تبلور آموزه مهدویت در ولایت فقیه یکی از برجسته‌ترین نمودهای عملی آموزه مهدویت در انقلاب اسلامی ایران، نظریه ولایت فقیه بود که توسط امام خمینی (ره) مطرح و بنیان‌گذاری شد. این نظریه، استمرار رهبری دینی و سیاسی جامعه را در عصر غیبت امام زمان (عج) بر عهده فقیه جامع‌الشرایط می‌دانست. بدین ترتیب، آموزه مهدویت به شکل حقیقی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی متجلی شد و همان‌طور که پژوهش‌ها نشان می‌دهند، قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور عینی آموزه مهدویت در قالب ولایت فقیه است (مهدوی، جعفرپور، ۱۳۹۸: ٥٥٦)

این الگوی حکومتی، نمونه واقعی حکومت عدالت‌محور شیعی در عصر غیبت را به نمایش گذاشت و متعهد به زمینه‌سازی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای ظهور منجی بی‌بدیل شناخته شد. این امر موجب شد تا مهدویت از حالت صرفاً اعتقادی و انتظاری به سمت عملی و راهبردی در حوزه حکمرانی و مدیریت کشور تبدیل گردد. پیامدهای فرهنگی و هویتی انقلاب اسلامی تحول بنیادین در نگرش ایرانیان و شیعیان جهان نسبت به آموزه مهدویت ایجاد کرد. انتظار دیگر نه یک آرمان انتزاعی بلکه یک فضیلت جمعی و موتور محرکه برنامه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور بود. جامعه انقلابی خود را بخشی از این مسیر می‌دانست و تحقق تمدن نوین اسلامی را به عنوان هدف میان‌مدت برای رسیدن به عصر ظهور معرفی می‌کرد (ده پهلوان و همکاران ،همان).

تاب‌آوری فرهنگی، پویایی اجتماعی و امیدوار به آینده، از اثرات بارز این تحول نگرشی بود که پژوهش‌های مختلف علمی بر آن صحه گذاشته‌اند. آموزه مهدویت توانسته بود هویت اجتماعی جدیدی بسازد که مبتنی بر انتظار فعال، عدالت‌خواهی و آرمان‌گرایی است و به عنوان خواسته عمده نسل‌های پس از انقلاب باقی مانده است.

پیشینه تحقیق

مقاله‌ای با عنوان «نقش باور و اندیشه انتظار در تحولات سیاسی–اجتماعی انقلاب اسلامی» که توسط مصطفی منتظری و منیژه کرد نوشته شده است، در سال ۱٤۰۱ و در یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ ارائه گردید. این مقاله به بررسی تأثیر اندیشه انتظار مهدوی بر تغییرات سیاسی و اجتماعی دوران انقلاب اسلامی می‌پردازد.

همچنین، مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تمدنی آموزه مهدویت با تأکید بر نقش زمینه‌ساز انقلاب اسلامی ایران» توسط روح‌الله شاکری زواردهی در فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱، اردیبهشت ۱٤۰۳ منتشر شده است. در این مقاله نویسنده استدلال می‌کند که انقلاب اسلامی، چه در مرحله شکل‌گیری و چه در مرحله تداوم، با پشتوانه فکری و هدف زمینه‌سازی برای ظهور، نویدبخش دوره پیشاظهور بوده است.

علاوه بر این، مقاله‌ای به نام «انقلاب اسلامی و نقش مهدویت و انتظار در امید و بیداری

ملت‌ها» به قلم نفسیه فاضلی‌نیا در مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (با رویکرد سیاسی و حقوقی) در سال ۱۴۰۲به چاپ رسیده است.

مقاله حاضر با رویکرد اسنادی و روش توصیفی-تحلیلی، بررسی می‌کند که چگونه انقلاب اسلامی بر احیای اندیشه مهدویت و مفهوم انتظار فعال تأثیرگذار بوده است. در این پژوهش تأکید شده است که انقلاب اسلامی با تکیه بر قرآن و سنت اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، هدف‌گذاری بر تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و معنویت اتخاذ کرده و جنبش اجتماعی مسلمانان را به سوی تحقق اهداف مهدوی هدایت نموده است.

بیان مسئله

اندیشه مهدویت ریشه‌ای عمیق در باورهای شیعه دارد، اما پیش از انقلاب اسلامی، رویکرد غالب به آن جنبه‌ای فردی و معنوی بود. با وقوع انقلاب، مفهوم انتظار از حالت صرفاً اعتقادی به قالب اجتماعی و سیاسی تحول یافت و به محرک اصلی جنبش‌های مردمی و ساختار سیاسی تبدیل شد. پذیرش ولایت فقیه نیز الگویی نوین در ترکیب آموزه دینی با نظام اجتماعی ارائه داد. پرسش اصلی پژوهش این است: انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در تحول مفهومی و کارکردی مهدویت ایفا کرده و این تحول چه تأثیری بر بازتعریف جامعه شیعی و سیاست دینی داشته است؟

این پژوهش با رویکرد اسنادی–تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی انجام شده است. ابتدا پیشینه نظری مهدویت و جایگاه آن در باورهای شیعی کاوش گردید، سپس سیر تاریخی انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بازنگری آموزه انتظار بررسی شد.

تحلیل تاریخی تحول مفهوم انتظار مهدوی

مفهوم انتظار مهدوی در طول تاریخ تشیع، تحولات متعددی را تجربه کرده است. باور به ظهور منجی جهانی، مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از اصول اعتقادی بنیادین شیعه دوازده امامی است که ریشه در قرآن کریم و احادیث معتبر اهل بیت(ع) دارد. این باور به عنوان یکی از موضوعات پرتعداد و پراهمیت در متون روایی شیعی مطرح است به گونه‌ای که بیش از شش هزار حدیث مرتبط با مهدویت در منابع شیعه نقل شده است.

از منظر قرآن، گرچه اسمی خاص از مهدی برده نشده است، اما آیات متعددی وجود دارد که

نشانه‌هایی از ظهور منجی و استقرار عدل جهانی را بیان کرده‌اند. آیه «وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد: ۷) که اشاره به وجود امام و راهنما برای هر قوم دارد، در تفاسیر شیعی به وجود امام معصوم و ادامه راه پیامبران تعبیر شده است ، همچنین آیاتی مانند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ... أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا، : ۱۰۵) دلالت بر ظهور انسانی صالح و عدالت‌گستر دارد که زمینه‌ساز تحقق وعده الهی است.

روایات اهل بیت علیهم السلام در این زمینه تفصیل بیشتری دارند و صفات، نشانگان و وظایف امام زمان(عج) را بیان کرده‌اند. امام علی(ع) آن حضرت را «حجت خدا»، «خاتم امامان» و «منتهای نور» معرفی کرده است که قرار است در آخرالزمان عدالت و صلح را حاکم کند .در دوران غیبت کبری، این باور مهدوی به صورت انتظار فعال باقی ماند؛ یعنی منتظران علاوه بر دعا، باید برای اصلاح جامعه و رفع ظلم و فساد تلاش کنند تا زمینه‌ساز ظهور واقعی منجی باشند. این انتظار فعال در طول تاریخ تشیع الهام‌بخش جنبش‌ها و قیام‌های عدالت‌خواهانه شده است و عامل امیدبخشی پایدار برای جامعه شیعی به شمار می‌رود. بنابراین، مهدویت نه تنها یک اعتقاد مذهبی است، بلکه مبدأ تحرک اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در تشیع به ویژه در دوران معاصر و پس از انقلاب اسلامی ایران بوده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ ق).

این تحول را می‌توان در چهار دوره تاریخی اصلی بررسی کرد:

۱. دوره اولیه تشیع (قرن ۱ تا ٤ هجری): انتظار عاطفی و اعتقادی

در صدر اسلام و پس از غیبت صغری (۲۶۰–۳۲۹ هـ)، انتظار مهدوی عمدتاً جنبه عاطفی، اعتقادی و فردی داشت. روایات امامان شیعه مانند حدیث «أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرج» (کلینی، ۱٤۰۷، ج ۲ : ۲۲۲)، انتظار را به عنوان فضیلت فردی و معنوی معرفی می‌کردند. در این دوره، شیعیان تحت فشار خلفای اموی و عباسی، انتظار را به صورت دعا، توسل و حفظ ایمان درونی تجربه می‌کردند. نواب اربعه (عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمری) به عنوان واسطه‌های امام زمان(عج)، نقش هدایت معنوی جامعه را بر عهده داشتند (صدوق، ۱۳۹۵: ٤۸۰–۵۱۰ ،طوسی، ۱٤۱۱: ۳۲۰–۳۵۰).

۲. دوره میانی تشیع (قرن ۵ تا ۱۲ هجری): انتظار عرفانی و فلسفی

با ظهور مکاتب کلامی مانند معتزله و اشاعره، و سپس عرفان نظری (ابن عربی، مولوی)، انتظار مهدوی به سمت جنبه‌های عرفانی و فلسفی گرایش یافت. عالمانی چون شیخ مفید (٤۱۳

هـ)، سید مرتضی (٤٣٦ هـ) و شیخ طوسی (٤٦٠ هـ) با تألیف آثاری چون (الغیبة)، انتظار را به عنوان اصل اعتقادی تثبیت کردند، اما همچنان آن را در چارچوب فردی و معنوی نگه داشتند (مفید، ١٤١٣: ١٢٠–١٥٠؛ طوسی، ١٤١١: ٢٠٠–٢٣٠).

در دوره صفویه (٩٠٧–١١٣٥ هـ)، با رسمی شدن تشیع در ایران، انتظار به بخشی از هویت ملی تبدیل شد، اما همچنان فاقد بعد سیاسی عملی بود. شعائر عاشورایی و مراسم انتظار، بیشتر جنبه عاطفی و آیینی داشت (جعفریان، ١٣٨٨: ٣٥٠–٣٨٠).

٣. دوره قاجار و پهلوی (١١٩٣–١٣٥٧ هـ): انتظار منفعل و انزواطلب

در دوره قاجار، با نفوذ استعمار و ضعف حکومت مرکزی، انتظار مهدوی به انفعال و گوشه‌گیری گرایش یافت. برخی عالمان مانند ملا احمد نراقی (١٢٤٥ هـ) به ولایت فقیه در امور حسبیه اشاره کردند، اما این نظریه به تشکیل حکومت منجر نشد (نراقی، ١٣٧٥: ٥٥٠–٥٨٠).

در دوره پهلوی اول و دوم، سکولاریسم و مدرنیزاسیون رضاشاهی و محمدرضاشاهی، مهدویت را به حاشیه راند. انتظار به دعاهای کمیل، ندبه و مراسم مذهبی محدود شد و از عرصه عمومی حذف گردید. امام خمینی(ره) در این دوره، انتقاد از این انفعال را آغاز کرد و در درس‌های خارج فقه (نجف، ١٣٤٨)، انتظار را به عنوان «انتظار سازنده» معرفی نمود (خمینی، ١٣٦٨: ٤٠–٥٥).

٤. دوره انقلاب اسلامی و پس از آن (١٣٥٧ تاکنون): انتظار فعال و سیاسی

انقلاب اسلامی ایران نقطه عطف تاریخی در تحول انتظار مهدوی بود. امام خمینی(ره) با ارائه تفسیر سیاسی از انتظار، آن را از حالت منفعلانه به «انتظار انقلابی» و «کنش عدالت‌طلبانه» تبدیل کرد. ایشان فرمودند:

« ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم، تحقق پیدا کند» .(امام خمینی، ١٣٨٠: ١٨: ٣٧٤)

از دیدگاه رهبر انقلاب، انتظار نه انفعال و سکون، بلکه تحرک اجتماعی و زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت حق است. مردم ایران با تفسیر فعالانه از انتظار، علیه استبداد شاهنشاهی قیام کردند و انقلاب را تا پیروزی نهایی هدایت نمودند. از دیدگاه رهبر انقلاب، انتظار نه انفعال و سکون، بلکه تحرک اجتماعی و زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت حق است. این نگرش به‌وضوح در سخنان امام

خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای نمایان است که برخلاف تفکّر سنتی انتظار منفعلانه، انتظار را بـه معنـای کنش فعال و تلاش مستمر برای تحقق عدالت در جامعه می‌دانند (امام خمینی، همان)

پیروزی انقلاب اسلامی، خط بطلانی بر قرائت‌های ناصحیح و افراطـی در اندیشـه مهـدویت بود. در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، ایده‌ای مطرح شد که بر اساسِ آن شرطِ ظهور حضـرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، لبریز شدن جهان از گناه بود. بر اساس ایـن رویکـرد، امـر بـه معروف و نهی از منکر جایز دانسته نمی‌شد تا گناه افزون‌شود و ظهور آن حضـرت نزدیـک گـردد. ریشه‌های شکل‌گیری این نظریه از تشکلی مذهبی که با هدف مبارزه بـا بهائیـت در تهـران و دیگـر شهرها پدید آمده بود، سرچشمه می‌گرفت و از این منظر به بازنویسیِ چـارچوبِ نظـریِ مهـدویت منجر می‌شد.(عرفان، ۱۳۸۹: ۲۲–۳۵)

امام خمینی(ره) تأکید داشت که انتظار حقیقـی ظهـور حضـرت مهـدی (عـج) بایـد روحیـه تحریک و پویایی به سوی تکامل معنوی، احیای معارف دینی، و اقدام عملی بـرای اصـلاح جامعـه ایجاد کند و منتظر واقعی کسی است که در عرصه‌های سیاسی، فرهنگـی و اجتمـاعی بـرای تحقـق عدالت تلاش نماید. او بر این باور بود که کسانی که انتظار را بـه معنـای دسـت کشـیدن از مبـارزه تعبیر می‌کنند، تفکری ناصواب دارند و منتظر واقعی باید فعالانه برای ایجاد حکومت عـدل بکوشـد (امام خمینی، همان).

رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، نیز بارها اشاره کرده‌اند که انتظار بـه معنـای آمـاده بـودن روحی و اجتماعی برای ظهور است و نبایـد انتظـار را موضـوعی منفعلانـه و غیرواقع‌بینانـه پنداشـت. ایشان بیان می‌دارند که فرد منتظر باید در همـه زمینـه‌ها بـه ویژگی‌هـای دوران ظهـور (عـدالت، حـق، اخلاص، عبودیت خدا) نزدیک شود و برای تحقق این ارزش‌ها تلاش کند و از وضع موجـود راضـی نباشد (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (ره))

این رویکرد فعالانه به انتظار در انقلاب اسلامی ایران موجب شد کـه مـردم در برابـر اسـتبداد شاهنشاهی قیام کنند و موقعیت سیاسی–اجتماعی خود را با هدف زمینه‌سازی ظهور امام زمـان(عج) بازتعریف کنند. انقلاب اسلامی خود را نه فقط قیامی سیاسی بلکه حرکتـی معنـوی و اجتمـاعی در مسیر تحقق عدالت الهی می‌دانست که منتظران را به تلاش مسـتمر بـرای ایجـاد حکومـت حـق و برقراری عدالت فرا می‌خواند (امام خمینی، همان)

این دیدگاه، انتظار را به موتور محرک انقلاب تبـدیل کـرد. پـس از پیـروزی انقـلاب، قـانون

اساسی (اصل ۵) ولایت فقیه را به عنوان «استمرار ولایت امام معصوم در عصر غیبت» تثبیت کـرد و انتظار را به برنامه‌ریزی سیاسی، فرهنگـی و تمـدنی پیونـد زد (قـانون اساسـی، ۱۳٦۸: ۱۰–۱۵). در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم «زمینه‌سازی ظهور» از طریق پیشرفت علمی، اقتصاد مقـاومتی، جهاد تبیین و تمدن‌سازی نوین اسلامی گسترش یافت .(پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشـر آثـار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (ره))

جدول دوره تاریخی انتظار

دوره تاریخی	ویژگی انتظار	نمونه‌های کلیدی	منابع
صدر اسـلام تـا غیبت کبری	عاطفی–اعتقادی	نواب اربعه، دعای فرج	کلینی (۱٤۰۷)، صدوق(۱۳۹۵)
میانی (صفویه)	عرفانی–آیینی	شـعائر عاشـورا، مراسـم انتظار	جعفریان (۱۳۷۸)
قاجار–پهلوی	منفعل–حاشیه‌ای	دعای ندبه، انزوای سیاسی	نراقـی (۱۳۷۵)، امـام خمینـی (۱۳٦۸)
انقلاب اسـلامی تاکنون	فعـال–سیاسـی–تمدنی	ولایـت فقیـه، جهـاد سازندگی، تمدن نوین	امام خمینی (۱۳۸۵)، سـید علـی خامنه‌ای (۱٤۰۲؟)

دگرگونی مفهوم انتظار و آماده‌سازی جامعه

تغییر نگرش به مفهوم انتظار، یکی از کلیدی‌ترین تحـولات پـس از انقـلاب اسـلامی اسـت. انتظار از حالت منفعلانه به دعوتی برای کنش اجتماعی و سیاسی در جهت عـدالت جهـانی تبـدیل شد. امام خمینی(ره) تأکید کردند که انتظار فرج باید با تلاش برای برقراری عدالت، مقابله با ظلـم و ساخت جامعه عدل الهی همراه باشد (کورانی، ۱٤۰۰: ٤۸–٦۵) و جمعی از نویسندگان. (بـی. تـا).• این نگاه مهدوی، مردم را به مشارکت در مبارزه با رژیم پهلـوی و سـپس سـاخت جامعـه اسـلامی ترغیب کرد. بنابراین شهید مطهری انتظار را«فراهم‌آوردن زمینـه‌های ظهـور، ظلم‌سـتیزی بـه انـدازهٔ توان و آمادگی برای ظهور حضرت» می‌دانـد، بـدین ترتیـب، مهـدویت زمینه‌سـاز مـدل حکـومتی اسلامی و جامعه منتظر شد که به ابعاد الهـی، سیاسـی، اقتصـادی و فرهنگـی توجـه دارد (مطهـری، ۱۳۷۱: ٦۱).

ساختار سیاسی جدید: تبلور مهدویت در ولایت فقیه

نظریه ولایت فقیه، به عنوان یکی از نوآوری‌های فقهی–سیاسی امام خمینی(ره)، برجسته‌ترین نمود عملی آموزه مهدویت در انقلاب اسلامی ایران است. امام خمینی با استناد به ادله عقلی و نقلی، ضرورت حفظ ولایت و حکومت اسلامی حتی در دوره غیبت را اثبات کرد و تأکید نمود که آنچه علت وجود امام است، یعنی نیاز به هدایت و عدالت، همچنان پابرجاست و باید توسط فقیه جامع‌الشرایط تأمین شود. ایشان برخلاف نظریه‌های پیشین که حکومت را در عصر غیبت ناممکن می‌دانستند، حکومت فقیه را تداوم نظام امامت و تجلی مدیریت دینی و سیاسی در جامعه معرفی کرد (خمینی، ۱۳٦۸: ٤۰–۵۵).

این نظریه، رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت امام معصوم(عج) را بر عهده فقیه جامع‌الشرایط – یعنی عالم دینی واجد شرایط عدالت، تقوا، فقاهت، مدیریت و زمان‌شناسی – قرار می‌دهد و آن را استمرار ولایت ائمه اطهار(ع) می‌داند. ولایت فقیه نه تنها یک الگوی حکومتی، بلکه پلی میان عصر غیبت و عصر ظهور است که زمینه‌سازی برای تحقق عدالت جهانی و آرمان مهدوی را بر عهده دارد.(خمینی، ۱۳٦۸: ٤۰–۵۵ و عرفان، ۱۳۸۹: ۲۲–۳۵)

مبانی قرآنی و روایی ولایت فقیه

ولایت فقیه بر پایه آیات قرآنی مانند «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّـهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) و روایات معتبر شیعی مانند مقبوله عمر بن حنظله و توقیع شریف امام زمان(عج) استوار است. امام خمینی(ره) با استناد به این منابع، ولایت فقیه را در عرض ولایت رسول الله(ص) و ائمه(ع) – نه در طول آن – قرار داد و تأکید کرد که احکام حکومتی فقیه همانند احکام شرعی معصومین(ع) واجب‌الاطاعه است (خمینی، ۱۳٦۸: ۵۲–٦۸ و جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۰–۱۳۸)

سیر تاریخی و تطور نظریه

پیش از امام خمینی(ره)، فقهایی چون نراقی (در عوائد الایام) و شیخ انصاری به ولایت عامه فقیه در امور حسبیه اشاره کرده بودند، اما امام خمینی نظریه را از حوزه امور حسبیه (مانند قضاوت و اوقاف) به حوزه تشکیل حکومت و اداره جامعه گسترش داد. در کتاب «ولایت فقیه: حکومت اسلامی »(۱۳٤۸)، ایشان استدلال کردند که غیبت امام زمان(عج) نباید به خلأ قدرت و بی‌عدالتی

منجر شود؛ بنابراین، فقیه واجد شرایط موظف به تشکیل حکومت و اجرای احکام الهی است (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۵–۵۰ و طاهری، ۱۳۸۸). نظریه ولایت فقیه امام خمینی نه تنها به تبیین جایگاه فقیه جامع‌الشرایط در ساختار نظام اسلامی پرداخت، بلکه پیوند نظری عمیقی میان آموزه مهدویت و مدیریت دینی جامعه برقرار کرد. بدین معنی که حکومت اسلامی برپایه ولایت فقیه، تحقق وعده ظهور و زمینه‌ساز تشکیل حکومت جهانی امام زمان (عج) است. لذا، این نظریه مهدویت را از یک اعتقاد صرفاً دینی فراتر برده و به یک ایدئولوژی حکومتی و ساختار سیاسی تمام‌عیار تبدیل کرد که به حیات سیاسی–اجتماعی جامعه امام عصر(عج) مشروعیت می‌دهد (پورطهماسبی و همکاران، ۱۳۸۷)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۸ و اصلاح‌شده ۱۳۶۸)، اصل ۵ و اصل ۱۱۰، ولایت فقیه را محور نظام سیاسی قرار داده‌اند. ولی فقیه وظایفی چون تعیین سیاست‌های کلان، فرماندهی کل نیروهای مسلح، نصب و عزل مقامات کلیدی، و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها را بر عهده دارد. این ساختار، مهدویت را از حالت انتزاعی به عملیاتی تبدیل کرده و جامعه را به سمت «جامعه منتظر» هدایت می‌کند که در آن عدالت، استقلال و پیشرفت، مقدمه ظهور تلقی می‌شوند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸).

تأثیرات اجتماعی و منطقه‌ای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی الگوی جدیدی را برای جنبش‌های اسلامی منطقه، با تأکید بر عدالت، نفی سلطه و امید به آینده، ارائه کرد. صدور فرهنگ انتظار فعال، موجی از مطالبه عدالت و حمایت از مستضعفان را در جوامع شیعی و حتی فراتر از جهان اسلام پدید آورد.انقلاب اسلامی ایران، الگویی نوین برای جنبش‌های اسلامی در سطح منطقه ارائه کرد که تأکید اصلی آن بر عدالت، نفی سلطه و امید به آینده بود. (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۵–۳۲). این انقلاب، فرهنگ انتظار فعال را به عنوان یک مؤلفه اساسی برای ساختار سیاسی و اجتماعی معرفی نمود که تأثیرات گسترده اجتماعی و منطقه‌ای داشت. این فرهنگ انتظار فعال، برخلاف مفاهیم سنتی و منفعلانه انتظار، نشان‌دهنده مشارکت فعال مردم در زمینه‌سازی برای تحقق عدالت الهی و تشکیل حکومت حق بود که در عمل، موجی از مطالبه عدالت و حمایت از مستضعفان را در جوامع شیعی و حتی فراتر از آن در جهان اسلام ایجاد کرد (قاسم فام، ۱۳۹۹) این انقلاب به جنبش‌ها در لبنان، عراق، بحرین و یمن الهام بخشید و گروه‌های مقاومت با استناد به الگوی ایران، مبارزه با استبداد و

استعمار را ادامه دادند(رنجکش، ۱۳۹۸: ۵۱-۷٤).

یکی از تأثیرات مهم انقلاب، الهام‌بخشی به جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی منطقه بود که خواستار حکومتی بر پایه ارزش‌های عدالت و استقلال از سلطه بیگانگان شدند. این امر باعث شد تا در کشورهایی مانند لبنان، عراق، بحرین و یمن، گروه‌های مقاومت و اسلامی با استناد به الگوی انقلاب اسلامی ایران شکل بگیرند و مبارزه علیه نظام‌های استبدادی و استعمارگر را ادامه دهند. انقلاب اسلامی همچنین موجب شد که هویت دینی ـ سیاسی شیعیان تقویت شود و آنان خود را بخشی از جریان جهانی عدالت‌خواهی بدانند (سوری لکی، ۱۳۸۸: ٤۲–۵۸، کورانی، ۱٤۰۰: ٤۸–٦۵)

از سویی دیگر، انقلاب با صدور فرهنگ انتظار فعال، نگرشی دین‌مدارانه و نوین نسبت به موضوع ظهور امام عصر (عج) و زمینه‌سازی ظهور را گسترش داد. این فرهنگ، مردم را به مقابله با ظلم، تلاش برای تحقق ارزش‌های انسانی و اجتماعی دعوت کرد و به عنوان موتور پیشران پیگیری و تحقق عدالت در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمل نمود. این امر تأثیر آشکاری در ارتقا سطح آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه شیعی و سایر جوامع مسلمان به همراه داشت (رنجکش، ۱۳۹۸: ۵۱-۷٤)

در نهایت، انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عزیمت جریان‌های حقوق‌طلبانه و عدالت‌خواهانه در منطقه شناخته شد که با نفی سلطه و جهل، مسیر تازه‌ای برای تعامل اجتماعی و سیاسی باز کرد و موجب شکل‌گیری نوعی هویت جمعی و جنبش‌های مدنی با محوریت آموزه‌های مهدویت و عدالت‌طلبی گردید. این تحولات در نهایت به بیداری اسلامی در سطح منطقه و حتی جهان اسلام منجر شد و تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای اسلامی گذاشت ،فرهنگ انتظار فعال، مردم را به مقابله با ظلم و تحقق ارزش‌های انسانی دعوت کرد و پیشران عدالت در سطوح اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شد (رنجکش، همان).

ولایت فقیه و زمینه‌سازی ظهور

از منظر مهدوی، ولایت فقیه «نایب امام زمان(عج)» است و وظایف او شامل حفظ نظام اسلامی، گسترش عدالت، مبارزه با فساد، و آماده‌سازی زیرساخت‌های تمدنی برای ظهور می‌شود. بیانات رهبر انقلاب اسلامی نیز بر «زمینه‌سازی فرهنگی، علمی و اجتماعی برای ظهور» تأکید دارد (شفیعی سروستانی، ۱٤۰۳: ۳۲–٤۹). این الگو، حکومت عدالت‌محور شیعی در عصر غیبت را به

نمایش گذاشت و متعهد به زمینه‌سازی برای ظهور شد؛ مهدویت از حالت اعتقادی به عملی راهبردی در حکمرانی تبدیل گردید (پورحسین، احسان، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱٤۲). انقلاب اسلامی، نگرش ایرانیان و شیعیان جهان به مهدویت را دگرگون کرد. انتظار به فضیلت جمعی و موتور محرک برنامه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شد. جامعه انقلابی خود را بخشی از مسیر ظهور می‌داند و تمدن نوین اسلامی را هدف میان‌مدت برای عصر ظهور معرفی می‌کند (شریعتی، ۱۳۹۸: ٤۹-٦٤). تاب‌آوری فرهنگی، پویایی اجتماعی و امید به آینده، از اثرات این تحول است که پژوهش‌ها بر آن تأکید دارند. مهدویت هویت اجتماعی جدیدی مبتنی بر انتظار فعال، عدالت‌خواهی و آرمان‌گرایی ساخت که در نسل‌های پسین پایدار مانده است(بابائیان و همکاران، ۱٤۰۳)

نتیجه‌گیری

پژوهش نشان داد که پیوند انقلاب اسلامی و مهدویت، نگرش به انتظار و ظهور را متحول کرد و نقش کلیدی در احیا و پویایی آموزه‌های مهدوی در سیاست، فرهنگ و هویت تشیع ایفا نمود. تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که انتظار مهدوی از حالت عاطفی–منفعلانه در صدر اسلام و دوره‌های میانی، به انتظار فعال، سیاسی و تمدنی در دوره انقلاب اسلامی ارتقا یافت. رویکرد امام خمینی(ره) در بهره‌گیری از ایده‌های مهدوی، فرهنگ انتظار را از انفعال به کنش معنوی، اجتماعی و سیاسی بدل ساخت. فرهنگ انتظار از حالت منفعلانه خارج و به کنش معنوی، اجتماعی و سیاسی بدل شد. این مسیر همچنان ادامه دارد و می‌تواند به عنوان مدلی الهام‌بخش برای جوامع اسلامی در عصر جدید مطرح شود، نظریه ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این تحول، پلی میان غیبت و ظهور ساخت و الگویی عملی برای حکومت اسلامی ارائه داد. این مسیر همچنان ادامه دارد و می‌تواند مدلی الهام‌بخش برای جوامع اسلامی معاصر باشد.

فرهنگ انتظار در تشیع، فراتر از یک اعتقاد عقیدتی، یک «الگوی زیست‌انقلابی» است. این فرهنگ، انسان را از رکود و رضایت از وضع موجود بیرون کشیده و او را به سوی خودسازی و مبارزه با ظلم سوق می‌دهد. در این چارچوب، انقلاب اسلامی ایران نه‌تنها با ماهیت انتظار همخوانی دارد، بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌سازهای ظهور حضرت مهدی (عج) محسوب می‌شود.

رهبری جامعه در عصر غیبت نیز بر اساس معیار «نزدیک‌ترین فرد به امام معصوم» تحقق می‌یابد که در فقه شیعه، به‌صورت «ولایت فقیه» محقق شده است. بنابراین، انتظار واقعی، یعنی همکاری با نظامی که بر پایه تعالیم اسلام و ولایت اهل‌بیت (ع) استوار است. همان‌گونه که شهید

مطهری می‌گوید، منتظر واقعی هرگز تماشاچی نیست؛ بلکه از همین امروز، در صف انقلابیون قـرار می‌گیرد تا راه ظهور را هموار سازد.

منابع

قرآن کریم ترجمه محسن قرائتی.

بابائیان، داریوش و کمری، محمدامین و کمری، زینب(۱۴۰۳). نقش انقلاب اسلامی در احیای آموزه ها ی مهدویت،پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات نوین در علوم انسانی، علوم تربیتی، حقوق و مطالعات اجتماعی.

پورحسین، احسان(۱۳۸۷). مبانی اطاعت از حاکـم در اندیشه سیاسی شیعه، علوم سیاسی، ۱۱(۴۲)، ۱۴۲-۱۱۷.

پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر و حسینی، امین(۱۳۸۷). انقلاب اسلامی و زمینه سازی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی، دستاوردها، آسیبها و فرصتها.

جعفریان، رسول(۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران. تهران: انتشارات علم

جمعی از نویسندگان (بی. تا). مهدویت.. قم – ایران: سازمان حج و زیارت. حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارات.

جوادی آملی، عبدالله(۱۳۷۸). مهدویت و ولایت فقیه. قم: مرکز نشر اسراء.

خامنه‌ای، سید علی(۱۴۰۲). بیانات در خصوص مهدویت و تمدن اسلامی دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=62553

خمینی، روح الله(۱۳۶۸). ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

خمینی، روح الله(۱۳۸۰). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

ده پهلوان، طلعت؛ نیک پناه، منصور؛ حسینی، سید محمدامین و اسمعیلی، پوریا(۱۴۰۲). مفهوم مهدویت در تحقق تمدن اسلامی از منظر رهبران انقلاب اسلامی ایران. مشرق موعود، ۱۷(۵)، ۳۷-۵۲.

رنجکش، محمد جواد(۱۳۹۸). بررسی تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های بیداری اسلامی با تاکید بر مفهوم اشاعه سازه انگاری، مطالعات بیداری اسلامی، ۸(۱)، ۵۱-۷۴.

سوری لکی، گلاب(۱۳۸۸). نقش آموزه مهدویت در انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم.

شریعتی، محسن(۱۳۹۸). نقش باورداشت مهدویت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه موعود، ۱(۲)، ۴۹–٦٤.

شفیعی سروستانی، ابراهیم(۱٤۰۳). مهدویت در اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله(۱۳۸۰–۱٤۲۲). منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، قم – ایران: مکتبهٔ آیهٔ الله العظمی الصافی الگلپایگانی. وحدهٔ النشر العالمیهٔ.

صدوق ابن‌بابویه، محمد بن علی، مصحح غفاری، علی‌اکبر(۱۳۹۵ه.ق –۱۳۵٤ه.ش). کمال الدین و تمام النعمهٔ. ۲ ج، تهران – ایران: دار الکتب الإسلامیهٔ.

طاهری، سید مهدی(۱۳۸۸). انقلاب و انتظار، زمانه، ۸٦و۸۷.

طوسی، محمد بن الحسن(۱٤۱۱ه.ق). الغیبهٔ. محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، قم: دار المعارف الإسلامیهٔ.

عرفان، امیرحسین(۱۳۸۹). نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت. انتظار، (۳۲)، ۲۲–۳۵.

قاسم فام، ابالحسن(۱۳۹۹). شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی، مطالعات مهدوی، ۱۱(٤۷)، ٦۳–۹٤.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران(۱۳٦۸). مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳٦۸.

کلینی، محمد(۱٤۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیهٔ.

کورانی، علی(۱٤۰۰). صدور انقلاب و جنبش‌های مهدوی، مترجم مهدی حقی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

مطهری، مرتضی(۱۳۷۱). قیام و انقلاب مهدی(عج)، تهران: صدرا.

مفید، محمد بن محمد(۱٤۱۳). الرسالهٔ الرابعهٔ فی الغیبهٔ. ۱، مصحح آل‌جعفر، علاء. ج.۱ قم – ایران: المؤتمر العالمی لألفیهٔ الشیخ المفید.

مهدوی، محمد و جعفرپور، صفیه(۱۳۹۸). تاثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۳(۸۰)، ۵٤۹–۵٦٦.

نراقی، احمدبن محمدمهدی(۱۳۷۵). عوائد الایام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی،مرکز النشر دفتر تبلیغات اسلامی.